

مطالعه تطبیقی نقش قوانین مالکیت فکری در بهبود محیط کسب و کار: با نگاهی نقادانه به حقوق ایران

دکتر محسن صادقی^۱

چکیده:

حقوق مالکیت فکری - به عنوان مجموعه مقررات و حقوق حمایت کننده از صاحبان اموال فکری نظیر اختراعات و علائم تجاری، با برخی شاخصهای ده گانه بانک جهانی برای بهبود محیط کسب و کار کشورها ارتباط تنگاتنگ دارد. برای نمونه، شاخص ثبت مالکیت، علاوه بر مالکیت‌های فیزیکی، شامل مالکیت فکری هم می شود؛ یا در شاخص حمایت از سرمایه گذاران، سرمایه گذار در انتخاب کشور میزبان سرمایه، به وجود قوانین حمایت از مالکیت فکری در آن کشور اهمیت می دهد. قوانین مالکیت فکری ایران برغم سابقه طولانی، به دلیل برخی نارسایی های قانونی و اجرایی نتوانسته اند در بهبود محیط کسب و کار چندان موثر باشند. قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار مصوب ۱۳۹۰ نیز گام مثبتی برای رفع معضلات موجود برنداشته است. از آنجا که این نارسایی ها و راهکارهای حل آنها تاکنون در مقاله ای علمی شناسایی نشده اند، لذا در این نوشتار به این سوال پاسخ می دهیم که حقوق ایران برای بهبود محیط کسب و کار چه نارسایی هایی دارد؟ فرضیه مقاله نیز این است که قوانین مالکیت فکری و محیط کسب و کار ایران، نیازمند اصلاح و تکمیل در بخشهایی نظیر قراردادهای تجاری سازی، بیمه اموال فکری، ضمانت اجراهای گمرکی و... می باشد. برای اثبات فرضیه فوق، ضمن توجه به مبانی قانونی و نارسایی های اجرایی کشور، از تطبیق در چند کشور موفق (هند بعنوان یک مدل در حال

^۱ عضو هیات علمی (استادیار) دانشکده حقوق و علوم سیاسی (موسسه حقوق تطبیقی) دانشگاه تهران و مدرس حقوق مالکیت فکری و کسب و کار، نشانی پستی: تهران- میدان انقلاب- تقاطع خیابان قدس و طالقانی- پلاک ۵۹۰- ساختمان شماره دو دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران- طبقه دوم- تلفن همراه: ۰۹۱۲۲۲۶۰۶۰۴ تلفن ثابت: ۶۶۹۵۰۲۵۴ - شماره دورنگار: ۰۲۱-۶۶۴۹۷۹۱۲ - پست الکترونیکی: sadeghilaw@ut.ac.ir

توسعه و آمریکا بعنوان یک مدل توسعه یافته) بهره می‌گیریم. نتایج تحقیق، علاوه بر قانونگذار، برای بنگاههای تجارتی و صاحبان اموال فکری - بعنوان سرمایه گذاران داخلی یا خارجی - مفید خواهد بود. بخش نخست این مقاله به نقش قوانین مالکیت فکری در محیط کسب و کار در مرحله ثبت مال فکری و بخش دوم، به همین موضوع در مرحله اجرا پرداخته، در پایان، راهکارهای روشن و کاربردی به گروههای بهره‌بردار پیشنهاد می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: قوانین مالکیت فکری، محیط کسب و کار، مرحله ثبت و اجرا، حقوق ایران، مطالعه تطبیقی.

مقدمه:

بر اساس بند ج ماده ۱ قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار مصوب ۱۳۹۰: «محیط کسب و کار، عبارت است از مجموعه عوامل مؤثر در اداره یا عملکرد بنگاههای تولیدی که خارج از کنترل مدیران آنها می‌باشند». این قانون تعریفی از عبارت «بهبود محیط کسب و کار» ارائه نکرده است، ولی می‌توان گفت «بهبود محیط کسب و کار یعنی افزایش سهولت در انجام و اداره فعالیتهای تجارتي اقتصادی، تضمین حقوق صاحبان کسب و کار و ایجاد ثبات و شفافیت در حوزه قوانین و مقررات مرتبط». بهبود محیط کسب و کار، باعث افزایش رقابت پذیری میان بنگاههای اقتصادی، افزایش اشتغال، ارتقای میزان سرمایه گذاری خارجی و افزایش انگیزه بخش خصوصی برای حضور در عرصه اقتصاد و رفع کاستی های اقتصاد دولتی و برعکس، بی توجهی به این مقوله، موجب کاهش رقابت پذیری بنگاهها، کاهش سرمایه گذاری خارجی و عدم ورود بخش خصوصی به فعالیتهای مولد اقتصادی و گرایش این بخش به اقتصاد زیرزمینی می‌شود. با عنایت به اهمیت مقوله بهبود محیط کسب و کار، بانک جهانی به رتبه بندی کشورها بر اساس میزان توفیق در این زمینه می‌پردازد. این نهاد، ده شاخص را برای سنجش میزان بهبود فضای کسب و کار در کشورها معرفی {۱} و سالانه گزارشی را در این زمینه منتشر می‌کند که هدف از انتشار آن، بیان تجربه کشورهای موفق و انتقال آن به سایر کشورها است. بانک جهانی در تازه‌ترین گزارش خود موسوم به «گزارش فضای کسب و کار ۲۰۱۵» به مقایسه ۱۸۹ کشور جهان از نظر سهولت فعالیتهای اقتصادی و وضعیت فضای کسب و کار آنها پرداخته است.

بر اساس ارزیابی این نهاد بین‌المللی - که بر پایه آمار مربوط به یک ساله منتهی به ژوئن ۲۰۱۴ (خرداد ۹۳) تهیه شده است-، فضای کسب و کار ایران در این مدت بهبود نسبی داشته و از رتبه ۱۵۲ سال گذشته، به رده ۱۳۰ جهان ارتقا یافته است (World Bank: 2015, 1 and seq). این ارتقا هرچند قابل تقدیر است اما کافی نبوده و با برخی وعده های داده شده مثل دست یابی به رتبه دو رقمی در این رده بندی {۲}-، تفاوت آشکار دارد. ارتقای رتبه کشور، جز با شناسایی علمی و دقیق نارسایی ها و ارائه پیشنهاد تحلیلی و تطبیقی برای حل یا کاستن از معضلات موجود میسر نیست. برای دست یابی به این منظور، باید شاخصهای ده گانه مورد نظر را در نظر گرفت و عوامل مؤثر بر این شاخصها را مورد بررسی قرار داد. مقررات حقوق مالکیت فکری ایران، یکی از عوامل مؤثر

بر شاخصهای فوق است. اما حقوق مالکیت فکری چیست؟ این حقوق به مجموعه قواعد، قوانین و مقرراتی اطلاق می‌گردد که درصدد اعطای حقوق حمایتی به پدیدآورندگان و صاحبان اموال ادبی و هنری و صنعتی مانند اختراعات، علائم تجارتي و طرحهای صنعتی و تنظیم روابط حقوقی بهینه میان صاحبان این حقوق با جامعه بعنوان مصرف کننده است.

پرداختن به اثرات مقررات مالکیت فکری بر بهبود کسب و کار از چند جهت دارای اهمیت است اولاً؛ تاکنون در ادبیات حقوقی ما اثر آن بر شاخصهای بهبود محیط کسب و کار مورد توجه قرار نگرفته است، لذا این مقاله درصدد رفع نسبی این خلا تحقیقاتی است؛ ثانیاً؛ در گزارش شاخص بین المللی حقوق مالکیت (تهیه شده توسط موسسه اتحادیه حقوق مالکیت در سال ۲۰۱۳)، حمایت از مالکیتهای فکری در کنار مالکیتهای فیزیکی و ملموس، به عنوان یکی از شاخصهای مهم ارزیابی اعلام شده است؛ ضمن اینکه ایران با کسب ۴/۳ امتیاز از ۱۰ امتیاز، رتبه ۱۱۱ را در میان ۱۳۱ کشور جهان و رتبه ۱۲ را در میان ۱۵ کشور منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا را به دست آورده است (Di Lorenzo: 2015, 1 and seq) که این رتبه نازل، لزوم توجه سیاستگذاران قانونی و اجرایی کشور را به نارسایی های موجود در حمایت از حقوق مالکیت - اعم از مادی و فکری - گوشزد می کند. ثالثاً؛ برخی شاخصهای ده گانه بانک جهانی، ارتباط تنگاتنگی با مقررات حقوق مالکیت فکری دارند. برای مثال، یکی از شاخصهای بهبود محیط کسب و کار، شاخص حمایت از سرمایه گذاران است. سرمایه گذاران اعم از داخلی و خارجی برای سرمایه گذاری، بر اموال خود اتکا کرده اند که بخشی از این اموال می تواند مال فکری باشد بنابراین وجود یا فقدان مقررات حمایت از اموال فکری در یک کشور، بر تحقق شاخص حمایت از سرمایه گذار اثر می گذارد. شاخص دیگر، شاخص ثبت اموال و دارایی هاست که اموال فکری نیز جزو این دسته به شمار می آیند یا شاخص سهولت اخذ وام و اعتبار یکی دیگر از شاخصهاست که امکان یا عدم امکان استفاده از اموال فکری برای اخذ وام یا اعتبار می تواند در این ارتباط مورد بررسی قرار گیرد؛ همچنین در شاخص تجارت برون مرزی، مقررات مالکیت فکری می توانند در تسهیل این تجارت موثر باشند. نکته جالب توجه اینجاست که هرچند رتبه کلی ایران در گزارش سال ۲۰۱۵ به نسبت گزارش سال قبل، بهبود یافته است، اما در رتبه های مخصوص هر شاخص، گاه شاهد سقوط رتبه ایران بوده ایم؛ برای مثال، در شاخص حمایت از سرمایه گذاران، ایران از رتبه ۱۴۳ به ۱۵۴، در شاخص سهولت دریافت وام و مطلوبیت قوانین و مقررات مربوط به آن، از رتبه ۸۶ به

رتبه ۸۹ و در شاخص ثبت اموال، رتبه جهانی ایران از ۱۵۹ به ۱۶۱ تنزل یافته است (Di Lorenzo: 2015, 1 and seq)

قوانین مالکیت فکری در ایران، دارای سابقه بسیار طولانی بوده و قدمت آن به قانون علائم صنعتی مصوب نهم فروردین ۱۳۰۴ می‌رسد، با اینحال به دلیل وجود برخی نارسایی‌های قانونی و اجرایی در قوانین موجود، این مقررات نتوانسته‌اند آنگونه که باید و شاید در بهبود محیط کسب و کار ایران اثرگذار باشند؛ در این میان، قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار مصوب ۱۳۹۰ نیز گامی برای رفع یا کاهش نارسایی‌های موجود برداشته است لذا این نوشتار می‌کوشد تا به این سوال اساسی پاسخ دهد که قوانین مالکیت فکری چه اثری بر بهبود محیط کسب و کار دارند و حقوق ایران در این بخش با چه نارسایی‌های قانونی و اجرایی روبروست؟ فرضیه مقاله نیز این است که قوانین مالکیت فکری و محیط کسب و کار ایران، نیازمند اصلاح و تکمیل در بخشهایی نظیر قراردادهای، بیمه و مالیات اموال فکری، ضمانت اجراهای گمرکی و... می‌باشد. نتایج تحقیق، علاوه بر قانونگذار، برای بنگاههای تجارتي و صاحبان اموال فکری - بعنوان سرمایه‌گذاران داخلی یا خارجی - مفید خواهد بود. بخش نخست این مقاله به نقش قوانین مالکیت فکری در محیط کسب و کار در مرحله ثبت و حمایت اولیه از اموال فکری فکری و بخش دوم، به همین موضوع در مرحله بهره‌برداری و تجاری سازی اموال فکری پرداخته، در انتها، راهکارهای روشن و کاربردی به گروههای بهره‌بردار پیشنهاد می‌کند.

روش تحقیق:

در مقاله حاضر از روش کتابخانه‌ای و با رویکرد تحلیلی تطبیقی استفاده شده است بدین ترتیب که ضمن توجه به مبانی قانونی و نارسایی‌های اجرایی ایران و تحلیل ضعفهای موجود، از تطبیق در چند کشور موفق (هند بعنوان یک مدل در حال توسعه و آمریکا بعنوان یک مدل توسعه یافته) بهره‌گرفته شده است. در بررسی حقوق ایران نیز علاوه بر توجه به قوانین موجود مانند قانون ثبت اختراعات، طرحهای صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶، آیین‌نامه اجرایی این قانون مصوب ۱۳۸۷، قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲، حسب مورد به لایحه حمایت از مالکیت فکری و طرح ثبت اختراعات، طرحهای صنعتی و علائم تجاری - که هر دو به مجلس واصل شده‌اند - نیز اشاره می‌شود. البته دو متن اخیرالذکر هنوز به تصویب مجلس و تایید شورای نگهبان نرسیده‌اند و نمی‌

توان آنها را قانون دانست با اینحال برای سنجش این امر که در صورت تبدیل شدن این دو به قانون، تا چه حد قادرند نارسایی های قانونی موجود را مرتفع سازند، اشاره بدانها مفید خواهد بود. همچنین ذکر این نکته نیز ضروری است که مالکیت فکری به دو شاخه ادبی و هنری و مالکیت صنعتی تقسیم می شود از آنجا که پرداختن تفصیلی به هر دو، از حوصله یک مقاله خارج بوده و حوزه مالکیت صنعتی با مقوله بهبود محیط کسب و کار ارتباط بیشتری دارد، لذا تمرکز مقاله بر شاخه مالکیت صنعتی است تا مالکیت ادبی و هنری.

پیشینه ی تحقیق:

در زمینه حقوق مالکیت فکری و بررسی قوانین مرتبط با آن، تاکنون کتابهای و مقالات و پایان نامه های متعددی به زبان فارسی نگاشته شده است که می توان از کتاب مقدمه ای بر حقوق مالکیت معنوی تالیف دکتر سید حسن میرحسینی، مقاله نقش مالکیت فکری در رشد و توسعه صادرات تالیف آقای مسعود طارم سری و رساله دکتری رابطه حقوق مالکیت فکری و توسعه تالیف دکتر حسین نوروزی در دانشگاه تهران نام برد با اینحال در هیچیک از منابع تالیف شده فوق و حتی منابع انگلیسی و فرانسوی حوزه حقوق مالکیت فکری، قوانین مالکیت فکری از منظر اثرگذاری بر بهبود محیط کسب و کار بررسی نشده اند ضمن اینکه مطالعه تطبیقی در هند و آمریکا نیز در آثار موجود دیده نمی شود. در زمینه بهبود محیط کسب و کار نیز تاکنون منابعی به زبان فارسی تالیف شده اند که می توان به کتاب تحلیل فضای کسب و کار تالیف آقای مرتضی عمادزاده و کتاب آموزه های بهبود محیط کسب و کار تالیف هرناوند دسوتو و ترجمه عفر خیرخواهان اشاره کرد؛ با اینحال منابع موجود عمدتاً نگاهی غیرحقوقی به موضوع داشته اند ضمن اینکه به مقوله رابطه قوانین مالکیت فکری با بهبود محیط کسب و کار و تطبیق مقررات ایران با چند کشور نپرداخته اند. بر این اساس، مقاله حاضر از حیث بررسی اثرگذاری مقررات مالکیت فکری بر بهبود محیط کسب و کار، بررسی نارسایی های حقوق ایران و نیز مطالعه تطبیقی با هند و آمریکا، دارای نوآوری می باشد.

بخش نخست) نقش قوانین مالکیت فکری در بهبود محیط کسب و کار در مرحله ثبت و حمایت اولیه از اموال فکری قوانین مالکیت فکری در مرحله ای که ناظر به ثبت و حمایت

اولیه از اموال فکری هستند، در چند زمینه باعث بهبود محیط کسب و کار می شوند. این موارد متعددیند لذا به ذکر و توضیح چهار مورد از مهمترین آنها اکتفا می شود. این موارد عبارتند از: بهبود محیط کسب و کار از طریق تسهیل در ثبت و حمایت بین المللی از اختراعات، بهبود محیط کسب و کار از طریق راه اندازی پنجره واحد تجارتي و نقش مالکیت فکری در آن، بهبود محیط کسب و کار از طریق حمایت مناسب از دارندگان نام های تجارتي و بالاخره، بهبود محیط کسب و کار از طریق حمایت قضایی مناسب از سرمایه گذاران دارنده اموال فکری:

۱- بهبود محیط کسب و کار از طریق تسهیل در ثبت و حمایت بین المللی از اختراعات: گفتیم که یکی از شاخصهای بهبود محیط کسب و کار، امکان ثبت دارایی و سهولت در ثبت و حمایت از دارایی های اشخاص حقیقی و حقوقی است. ثبت اموال فکری در مراجع قانونی و حمایت از آنها باعث افزایش انگیزه مخترعان و مبتکران شده و با کاستن از تعداد موارد نقض حق، هم به نفع صاحبان اموال فکری و هم رفاه مصرف کنندگان خواهد بود. اما در حوزه حقوق مالکیت فکری، اصلی به نام اصل سرزمینی بودن {۴} جاری است که طبق آن، موضوعات مشمول حقوق مالکیت فکری تنها در سرزمینی حمایت می شوند که طبق مقررات آن سرزمین، قابلیت حمایت را داشته باشند. نتیجه اقتصادی این اصل آن است که یک مخترع که اختراعش را در کشور الف به ثبت رسانیده و هزینه ای بابت تقدیم اظهارنامه و ثبت پرداخته است، باید برای ثبت آن در هر کشوری که می خواهد اختراعش در آن حمایت شود، هزینه ای مجزا تادیه کند؛ لذا اگر یک شرکت بزرگ تجاری بخواهد محصولش را در سی کشور مختلف تجاری سازی کند، مکلف است برای جلوگیری از نقض حق مالکیت فکری خود در این کشورها، سی اظهارنامه مجزا به زبانهای رایج در آن کشور با هزینه ثبت جداگانه پرداخت نماید. بی گمان این امر باعث می شود تا قیمت تمام شده محصول افزایش یافته و قدرت رقابت پذیری این شرکت در قیاس با سایر رقبا کاهش یابد. در این راستا سازمان جهانی مالکیت فکری (وایپو) اقدام به تهیه معاهدات بین المللی متنوع در زمینه ثبت بین المللی برخی مصادیق مالکیت فکری کرده است؛ برای مثال در حوزه اختراعات، معاهده همکاری در ثبت اختراعات {۵} تصویب شده که طبق آن، وقتی اختراعی در یکی از کشورهای عضو معاهده (که در حال حاضر ۱۴۸ کشور هستند) به ثبت قانونی برسد، متقاضی ثبت می تواند با تسهیلاتی مثل قیمت کمتر، آن اختراع را در هر یک از کشورهای عضو معاهده که مدنظر دارد ثبت کند (WIPO: 2015, 1 and seq).

بی تردید این اقدام نه تنها تاثیر قابل توجهی بر کاهش هزینه های ثبت و حمایت بین المللی از اختراعات و در نتیجه کاهش قیمت تمام شده محصول در بازارهای مختلف خواهد داشت، بلکه از حیث تسهیل ثبت و حمایت بین المللی از دارایی فکری بنگاهها یا سایر صاحبان اختراع، بر بهبود محیط کسب و کار نیز موثر است.

در ایران در حال حاضر امکان استفاده از مزیت معاهده فوق وجود ندارد و اگرچه قانون الحاق ایران به معاهده همکاری در ثبت اختراعات، در سال ۱۳۸۶ به تصویب مجلس شورای اسلامی و تایید شورای نگهبان رسید، اما تاکنون لازم الاجرا نگردیده است زیرا برخی دستگاههای متولی اجرای قانون بر این عقیده اند که اجرای مطلوب قانون، مستلزم وجود امکانات سخت افزاری و نرم افزاری قوی مانند وجود نیروهای کارشناس تربیت شده و متخصص است حال آنکه کشور ما در شرایط فعلی ابزارها و زیر ساختهای لازم و کافی را برای اجرایی کردن آن ندارد. این نقیصه باعث شده است تا کشور ما از وجود معاهده فوق نتواند در راستای ثبت بین المللی اختراعات بهره گیرد. این در حالی است که در آمریکا (Juan Alcácer Gittelman and Sampat: 2015, 415-427) و هند (Dutz: 2007, 1 and seq)، اجرایی شدن معاهده همکاری در ثبت اختراعات توانسته است شاخص ثبت دارایی فکری را در وضعیت مطلوبی قرار دهد.

۲- بهبود محیط کسب و کار از طریق راه اندازی پنجره واحد تجارتي و نقش مالکیت فکری در آن:

پنجره واحد تجارتي به طرفهای فعال در تجارت برون مرزی مثل صادرکنندگان، واردکنندگان و دست اندرکاران حمل و نقل اجازه می دهد که برای رعایت الزامات قانونی و کلیه تشریفات مربوط به حمل و نقل، صادرات، واردات، و اخذ مجوزهای گوناگون، به جای مراجعه به نهادهای مختلف و تکمیل فرمهای متنوع، با یک بار مراجعه به سازمان یا نهاد مربوطه یا سایت اینترنتی در نظر گرفته شده، تمام اطلاعات و اسناد لازم را در قالب فرمهای یکسان، به طور متمرکز، در یک جا، با سرعت و دقت بیشتری انجام دهند (UN/CEFACT: 2015, 1 and seq). بنابراین تاسیس پنجره واحد تجارتي در ارتقای شاخص تجارت برون مرزی-بعنوان یکی از شاخصهای بانک جهانی- موثر است زیرا یکی از موارد مورد توجه در شاخص تجارت برون مرزی، هزینه های تجارت خارجی است که شامل تعداد اسناد مورد نیاز برای مبادلات گمرکی یعنی اسناد لازم برای واردات مواد اولیه جهت تولید محصول، مدت زمان صرف شده برای واردات، هزینه واردات، تعداد اسناد

مورد نیاز برای صادرات محصول تولید شده، مدت زمان صرف شده برای صادرات و هزینه صادرات است (Doing Business, 2010, 2015, 1 and seq) بنابراین پنجره واحد تجارتي این امکان را فراهم می سازد تا با کاهش زمان و هزینه های مورد نیاز برای طی تشریفات تجارت برون مرزی، قدرت رقابت پذیری بنگاه را افزایش داده و زمینه بهبود محیط کسب و کار را فراهم کند. به واسطه همین نقش اقتصادی غیرقابل انکار است که مرکز تسهیل تجارت و کسب و کار الکترونیکی سازمان ملل متحد (سیفاکت) {6}، از پنجره واحد تجاری به بخش کلیدی تسهیل تجاری یاد می کند زیرا از منظر این نهاد، تسهیل تجارت به دنبال ساده سازی فرایندها و رویه های تجارت بین الملل است به گونه ای که این رویه ها تا حد امکان کارآمدتر و ساده تر شوند. (UN/ECE: 2003, 5). بنابراین با توجه به این که این بخش از فرایندهای تجاری بخش عمده ای از هزینه های تجاری را به دوش تجار و نهادهای دولتی تحمیل می کنند، از این رو ساده سازی این بخش از فرایندهای تجاری از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. از این رو، سیفاکت در یکی از توصیه نامه های خود پیشنهاد نموده است که از پنجره واحد تجاری استفاده نمایند تا از این طریق تجار و نهادهای دولتی فقط یک بار و در یک نقطه واحد، اطلاعات تجارتي را وارد نمایند. (اسفیدانی: ۱۳۸۷، ۱۱) و هم دولت در سطح کلان و هم بنگاهها در سطح خرد بتوانند از مزایای این سیستم بهره مند شوند (UN/CEFACT: 2008, 15).

سیفاکت، بخوبی به نقش عوامل حقوقی در تاسیس و گسترش پنجره واحد واقف بوده است از این رو از قانونگذار کشورهای عضو می خواهد که در قالب قوانین ملی، ابعاد حقوقی پنجره واحد تجاری را روشن سازند (W. Schermer: 2007, 7-8) حتی سیفاکت در پیش نویس توصیه نامه ۳۵، برخی از موضوعات مهم حقوقی را در قالب جدولی معرفی کرده (UN/CEFACT: 2008, 1 and seq) در زمره این موضوعات، حقوق مالکیت فکری نیز مورد تاکید و تصریح قرار گرفته است. یکی از موضوعات مهم مالکیت فکری که در پنجره واحد تجارتي شیوع فراوان دارد، حمایت از اسرار تجارتي است. اسرار تجاری، به دانش فنی محرمانه و اطلاعات مفید در امر تجارتي اطلاق می شود که برای اجرای فعالیتهای صنعتی خاص و یا برای گسترش فنون سودمند یک هدف صنعتی ضرورت دارند و باید محرمانه نگهداری شوند. این اسرار، زمانی مورد حمایت و سودمند هستند که محرمانه باقی مانده و وارد حوزه عموم نشوند. امروزه پدیده ای نوین به نام گسترش فضای دیجیتالی حمایت از اسرار تجارتي را دشوارتر ساخته است چرا که دسترسی بیش از یک میلیارد کاربر

به شبکه گسترده جهانی (Fox: 2002, 4) خطر نقض حق صاحبان اسرار تجاری را بنحو قابل توجهی افزایش داده است؛ ثانیاً: تشخیص نقض کننده حق، در محیط الکترونیکی دشوارتر از محیط فیزیکی است. این معضلات در مرحله تاسیس و استفاده از پنجره واحد تجاری نیز دیده می شود زیرا پنجره واحد تجاری محیطی عمدتاً الکترونیکی است که در آن، بسیاری از فعالان حوزه تجارت نظیر صادر و واردکنندگان و دست اندکاران حوزه حمل و نقل، بسیاری از اطلاعات تجاری و با ارزش خود را بصورت دیجیتالی در پنجره واحد تجاری قرار می دهند. در این شرایط، قانونگذار کشور محل استقرار پنجره واحد تجاری باید برای افزایش امنیت حقوقی محیط دیجیتالی و ترغیب بازرگانان به استفاده از پنجره واحد، مقررات مناسب و جامعی برای حمایت از اسرار تجاری فیزیکی و الکترونیکی وضع کند. همچنانکه این رویکرد قابل دفاع را می توان در آمریکا مشاهده کرد (United States of America, Undisclosed Information (Trade Secrets): 2015, 1 and seq).

در ایران، اولاً؛ به علت عدم تاسیس و اجرای سیستم پنجره واحد تجاری الکترونیکی، رتبه کشور در سطح جهان، رتبه جالبی نیست. توضیح اینکه در کشور ما، تعداد اسناد مورد نیاز برای واردات، ۸ عدد و برای صادرات ۷ عدد بوده، هزینه واردات، ۱۷۰۶ دلار، هزینه صادرات، ۱۰۶۱ دلار، زمان لازم برای واردات ۳۸ روز و زمان موردنیاز برای صادرات ۲۵ روز بوده و رتبه این کشور در میان کشورهای منتخب، ۱۳۴ است. از دیگر فرایندهایی که تفاوت زیاد با ایران دارد حمل داخلی کالاهای وارداتی و صادراتی است. در برخی کشورها، فرایند حمل کالاها کمتر دو روز انجام می شود اما در ایران این فرایند بین ۷ تا ۸ روز به طول می انجامد به طوری که کندی در زمان انجام تجارت تبعات مستقیم و غیر مستقیم بر هزینه تجارت خارجی در کشورمان دارد (باستانی و آقاجانی: ۱۳۸۹)؛ ثانیاً: برای تاسیس و گسترش پنجره واحد تجاری، باید زیرساختهای قانونی لازم در کشور فراهم باشد که یکی از آنها وجود مقررات مناسب برای حمایت از اسرار تجاری در محیط الکترونیکی است. این در حالی است که در حقوق ایران، در حال حاضر قانون خاصی برای حمایت از اسرار تجاری وجود ندارد؛ در زمینه حمایت از اسرار تجاری الکترونیکی نیز قانون خاصی به تصویب نرسیده است و طرح ثبت اختراعات، طرحهای صنعتی و علائم تجاری نیز که به مجلس واصل شده است، چنانکه از نامش پیداست به مقوله اسرار تجاری و تعیین مقررات این حوزه نپرداخته است. در این میان، قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲، در قالب مواد ۶۴ و ۷۵ به تعریف اسرار تجاری الکترونیکی و تعیین مجازات برای ناقضین حقوق اسرار تجاری

مبادرت ورزیده است، اما باز هم دارای نارسایی هایی است از جمله آنکه این مواد اساساً معیاری برای تشخیص اسرار تجارتي از سایر اطلاعات به دست نداده است. همچنین قانونگذار برای صاحبان این اسرار حقوق مادی و معنوی مشخصی را تعیین نکرده است؛ بعلاوه، مشخص نموده است که در چه مواردی می توان بدون اجازه صاحب سر تجارتي، به اسرار او دسترسی پیدا کرد؛ به تعبیر دیگر، مرز بین اسرار تجارتي و مواردی که در آن، دسترسی به اطلاعات محرمانه، ضروری است، مشخص نشده است.

۳- بهبود محیط کسب و کار از طریق حمایت مناسب از دارندگان نام های تجارتي:

شاخص ثبت اموال و شاخص حمایت از سرمایه گذاران، دو شاخص مهم بانک جهانی در تعیین رتبه کشورها در زمینه بهبود محیط کسب و کار است که حمایت یا عدم حمایت از نام تجارتي-به عنوان یکی از مصادیق اموال باارزش و نیز سرمایه قابل حمایت-بر رتبه کشورها اثرگذار خواهد بود. مطابق بند ج ماده ۳۰ قانون ثبت اختراعات، طرحهای صنعتی و علائم تجاری ایران مصوب ۱۳۸۶: «نام تجارتي یعنی اسم یا عنوانی که معرف و مشخص کننده شخص حقیقی یا حقوقی باشد». حمایت حقوقی و قضایی مناسب از دارندگان نامهای تجارتي باعث می شود تا دارندگان این نام ها با تکیه بر حمایت قانونی و قضایی مناسب، برای خوشنام تر کردن نام و جلب مشتری بیشتر می کوشند چون مطمئن هستند که هیچ شخصی نمی تواند بدون اجازه، از نام آنها استفاده کرده و جلب منفعت کند و اگر چنین کند، با ضمانت اجرای حقوقی و کیفری مواجه خواهد شد؛ وانگهی، مصرف کننده با اطمینان از اینکه نام های تجارتي، نام های اصلی هستند نه جعلی و تقلبی، با آرامش بیشتر به انتخاب و خرید محصول مطلوب از میان محصولات مشابه با برندهای گوناگون مبادرت می ورزد. سوم اینکه. بر این اساس، در کشور آمریکا و هند، شاهد حمایت قانونی از دارندگان این نام ها هستیم (United States of America, Trade Names: 2015, 1 and seq; -India, Trade Names: 2015, 1 and seq).

با اینحال در ایران، هرچند قانونگذار در فصل سوم قانون مصوب سال ۱۳۸۶، در قالب چند ماده به حمایت از نام تجارتي پرداخته است اما امروزه در عمل، اداره مالکیت صنعتی ایران از ثبت کردن نام تجارتي (به عنوان یکی از اموال فکری باارزش بنگاهها) خودداری می کند با این استدلال که برای ثبت نام تجارتي، وجود آیین نامه ای حاوی جزئیات ثبت، ضروری است و تاکنون آیین نامه ای برای نحوه ثبت و حمایت از این نام ها تصویب نشده است (صادقی و زند و کیلی، ۱۳۹۴، ۱۱۷). طرح ثبت اختراعات، طرحهای صنعتی و علائم

تجاری نیز که به مجلس واصل شده است نیز در خصوص حمایت از نامهای تجارتي هیچ مقرره جدیدی دال بر ایجاد زمینه و تسهیل حمایت از دارندگان این اموال فکری ندارد.

۴- بهبود محیط کسب و کار از طریق حمایت قضایی مناسب از سرمایه گذاران دارنده

اموال فکری

پیش از این گفتیم که یکی از شاخص های بهبود محیط کسب و کار، شاخص حمایت از سرمایه گذاران است. اولاً؛ سرمایه سرمایه گذاران می تواند اموال فیزیکی و یا اموال فکری مثل اختراعات، علائم و نام های تجارتي باشد؛ ثانیاً؛ حمایت می تواند قالبها و شکلهای گوناگون داشته باشد که یکی از بارزترین آنها، حمایت قضایی مناسب است بدین ترتیب که صاحبان اموال فکری به عنوان سرمایه گذار بتوانند در سریعترین زمان ممکن به مراجع قضایی مراجعه کرده و بر اساس سرعت، دقت و تخصص قاضی و با عنایت به جامع و شفاف بودن قوانین، احقاق حق کنند. خصوصاً اینکه مطالعه تطبیقی نشان می دهد که تشکیل دادگاههای اختصاصی برای رسیدگی به دعاوی مالکیت فکری دارای مزایای قابل توجهی چون امکان اتخاذ تصمیمات مناسب تر توسط قضات، تخصصی تر شدن قلمرو فعالیت و کلا و افزایش کیفیت دعاوی، جلوگیری از تراکم پرونده در دادگاههای عمومی است (حبیبی و شاکری: ۱۳۸۹، ۱۳۱-۱۵۰). مقررات مالکیت فکری ایران در زمینه حمایت قضایی از دارندگان این اموال با چند نارسایی روبرو هستند که در زیر به ذکر سه نمونه از آنها اکتفا می کنیم:

یک) قانونگذار در راستای افزایش سرعت در رسیدگی و تخصص گرایی در پرونده های تجارتي و نتیجتاً کمک به بهبود فضای کسب و کار ایران از طریق این شاخص، در ماده ۲۹ قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار و تبصره آن، مقرر داشته است: «قوه قضائیه و دولت اقدامات قانونی لازم را برای تنظیم آیین دادرسی تجاری و تشکیل دادگاههای تجاری به عمل می آورند. تبصره- تا زمان تأسیس دادگاههای تجاری، جرائم مرتبط با فعالیتهای تجاری و اختلافات بین بخش خصوصی و دستگاههای اجرائی حسب مورد در شوراهای حل اختلاف یا شعب خاصی که رؤسای دادگستری استانها با رعایت صلاحیت محلی در حوزه های قضائی تعیین می نمایند، رسیدگی می شود». برغم این تکلیف قانونی در سال ۱۳۹۰، اولاً؛ تاکنون، قانون تشکیل دادگاههای تجارتي تصویب نشده است و هرچند بند ۵ ماده ۲۲ لایحه آیین دادگاههای تجاری، رسیدگی به دعاوی اموال فکری صنعتی و تجاری را در صلاحیت دادگاههای تجارتي دانسته است ولی با توجه به اینکه این لایحه هنوز به

قانون لازم الاجرا تبدیل نشده است لذا نمی توان از مزایای آن بهره برد؛ ثانیاً: اگرچه حکم تبصره ماده ۲۹ قانون بهبود، امروزه اجرایی شده و بنا به حکم ماده ۵۹ قانون ثبت اختراعات، طرحهای صنعتی و علائم تجاری، شعبه خاصی از دادگاه عمومی تهران برای رسیدگی به دعاوی مالکیت فکری در نظر گرفته شده است ولی برخی نارسایی ها همچنان پابرجاست از جمله اینکه این شعبه خاص (شعبه سوم مجتمع قضایی شهید بهشتی تهران)، تنها به دعاوی اختراعات، طرحهای صنعتی و علائم تجاری رسیدگی می کند نه سایر دعاوی اموال فکری مثل نقض اسرار تجاری؛ وانگهی، صلاحیت این شعبه، صلاحیت کشوری است یعنی این شعبه، تنها شعبه تخصصی در این زمینه است لذا اگر برای مثال حق اختراع یا علامت فردی در بوشهر نقض شود باید برای اقامه دعوی حقوقی به تهران مراجعه کند. این امر گاه باعث انصراف دارندگان حقوق اموال فکری از اقامه دعوی و در نتیجه جری تر شدن ناقضان این حقوق می شود. جالب اینکه طرح ثبت اختراعات، طرحهای صنعتی و علائم تجاری نیز که به مجلس واصل شده، در ماده ۵۹ خود باز هم شعبه خاصی از دادگاه عمومی تهران را صالح به رسیدگی به دعاوی راجع به حقوق اختراعات، طرحهای صنعتی و علائم تجاری دانسته و گامی موثر برای رفع نارسایی موجود برنداشته است. هرچند باید گفت که این محدودیت در حوزه دعاوی نقض حقوق مالکیت ادبی و هنری دیده نمی شود و نه قوانین موجود و نه لایحه حمایت از مالکیت فکری، شعبه خاصی را صالح به رسیدگی معرفی نکرده اند.

دو) یکی از شیوه های حمایت حقوقی مناسب از دارندگان اموال فکری و سرمایه گذاران این حوزه، امکان بهره گیری ایشان از ضمانت اجرای گمرکی است. منظور از این ضمانت اجرا، اقداماتی است که از سوی مقامات گمرکی و قبل از ورود محصول تقلبی یا جعلی به بازار کشور صورت می گیرد مثل تعلیق یا منع ترخیص کالا از گمرک. این ضمانت اجرا از برخی جهات از ضمانت اجراهای حقوقی و کیفری، موثر تر و برای دارنده حق، مطلوب تر است زیرا ضمانت اجرای گمرکی، در مرزها و قبل از ورود کالا به بازار کشور اعمال می شود ولی ضمانت اجراهای حقوقی و کیفری، منوط به ورود و عرضه محصول تقلبی به بازار و وقوع ضرر یا تحقق جرم است. در حقوق ایران، قانونگذار نه در قانون ثبت اختراعات، طرحهای صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶ و نه در قانون جدید امور گمرکی مصوب ۱۳۹۰ به این نوع ضمانت اجرا اشاره نکرده است. با عنایت به اینکه این سکوت قانونی، با شاخص حمایت حقوقی مناسب از سرمایه گذار در تعارض بود، لذا قانونگذار سعی کرد در

قالب آیین نامه قانون ثبت اختراعات، طرحهای صنعتی و علائم تجاری، این خلا قانونی را مرتفع سازد و در ماده ۱۸۳ و تبصره ۱ آن مقرر نمود: «در دعوی حقوقی و کیفری راجع به حقوق حاصله از ثبت اختراع، طرح صنعتی، علامت و نام تجاری، معترض می تواند در هر مرحله از مراحل رسیدگی، از مراجع قضایی، اعم از دادگاه یا دادسرا که پرونده در آنجا مطرح است درخواست صدور قرار تامین دلیل و دستور توقیف محصولات ناقض حقوق ادعایی و تقاضای صدور دستور موقت نسبت به عدم ساخت، فروش یا ورود این محصولات را بنماید. مراجع قضایی موظفند نسبت به قبول تقاضای مذکور موافقت نمایند و می توانند قبل از صدور قرارهای مزبور از متقاضی تضمین کافی بخواهند. اجرای دستور فوق در صورتی که محصولات در گمرک باشند، توسط مأمورین گمرک والا توسط ضابطین خواهد بود. تبصره ۱- دادسرا می تواند راساً دستور توقیف کالاهای دارای علامت تقلبی، اعم از اینکه وارد چرخه تجاری شده یا نشده باشند، را صادر نماید». با اینحال، ذکر این حکم در قالب آیین نامه به جای قانون مصوب مجلس، مشکلاتی را در عمل برای دارندگان اموال فکری ایجاد کرده است برای مثال، برخی دادسراها از اجرای تجویز مقرر در تبصره ۱ ماده ۱۸۳ خودداری می ورزند و معتقدند که اولاً: نقش یک آیین نامه، تنها بیان جزئیات و طراحی نحوه اجرای قانون است نه اینکه حق ماهوی جدیدی را بر قانون بیفزاید. در قانون ثبت اختراعات و طرحهای صنعتی و علائم تجاری، امکان استفاده از ضمانت اجرای گمرکی برای صاحب حق پیش بینی نشده است و حال آیین نامه این قانون نمی تواند چنین حقی ماهوی را به صاحب مال فکری تفویض نماید. ثانیاً: طبق اصل ۱۷۰ قانون اساسی ایران: «قضات دادگاهها مکلفند از اجرای تصویب نامهها و آیین نامههای دولتی که مخالف با قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه است خودداری کنند و هر کس می تواند ابطال این گونه مقررات را از دیوان عدالت اداری تقاضا کند». این اصل این امکان را به قضات می دهد که از قبول درخواست زیان دیده مبنی بر اجرای تبصره ۱ ماده ۱۸۳ آیین نامه خودداری کنند چون حکم تبصره، خلاف قانون است. در طرح ثبت اختراعات، طرحهای صنعتی و علائم تجاری، هیچ اقدامی برای رفع نارسایی فوق صورت نگرفته است در حالی که بهتر بود مقرر آیین نامه، این بار در قالب ماده مذکور در قانون می آمد. البته در لایحه حمایت از مالکیت فکری در مواد ۸۱ تا ۸۸ مقررات مناسبی برای ضمانت اجرای گمرکی در خود قانون پیش بینی شده است با اینحال چنانکه ماده ۸۱ این لایحه تصریح کرده است، امکان بهره گیری از این مقررات مختص کالاهای وارداتی مشمول این لایحه

یعنی آثار ادبی و هنری است؛ لذا حتی در صورت تبدیل این لایحه به قانون، نمی توان امکان بهره گیری از ضمانت اجرای گمرکی در آثار ادبی و هنری را به اموال صنعتی یعنی اختراعات، طرحهای صنعتی و علائم تجاری تعمیم و تسری داد زیرا این امر هم با استثنایی بودن ضمانت اجرای گمرکی (و نیاز آن به تصریح قانونی) و هم با تصریح مندرج در ماده ۸۱ لایحه مغایرت دارد.

سه) امروزه با گسترش تجارت الکترونیکی، بسیاری از بنگاههای ایرانی تمایل دارند تا از مزایای این نوع تجارت نوین استفاده کنند با اینحال یکی از مقدمات گسترش این تجارت در ایران، وجود امنیت حقوقی کافی در فضای اینترنتی است. برای مثال، یک بنگاه صاحب علامت تجاری خوشنام و مشهور برای اینکه از مراوات الکترونیکی بهره گیرد، حق دارد بداند که اگر علامتش در محیط اینترنتی توسط شخصی مورد تقلید یا استفاده غیرمجاز قرار گرفت، دعوای احتمالی خود را باید در دادگاه کدام کشور اقامه کند و دعوای او تابع قانون کدام کشور است؟ اهمیت این اطلاع حقوقی از آن روی بیشتر است که فضای اینترنت، به محیط بدون مرز مرسوم شده و علاوه بر دشواری تعیین نقض کننده حق، مسائل حقوقی تعیین دادگاه صالح و قانون حاکم بر چنین اختلافاتی، دشوار تر از محیط فیزیکی است. از این رو قانونگذار برخی کشورها برای افزایش گرایش بنگاهها به تجارت الکترونیکی سعی کرده اند مقررات جامعی در خصوص این محیط وضع کنند که می توان به آمریکا اشاره کرد (K. Winn, Wright: 2004, 2.2). با اینحال در ایران، قانونگذار نه در مقررات مالکیت فکری و نه در قانون خاص این محیط یعنی قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲ پاسخی به سوالات حقوقی فوق نمی دهد. طبیعتاً چنین خلأیی، بر گرایش بنگاههای ایرانی به استفاده از تجارت الکترونیکی و بهره گیری از مزایای آن در بهبود محیط کسب و کار اثر منفی خواهد گذاشت. این خلأ نه در طرح ثبت اختراعات، طرحهای صنعتی و علائم تجاری و نه در لایحه حمایت از مالکیت فکری مرتفع نشده است.

بخش دوم) نقش قوانین مالکیت فکری در بهبود محیط کسب و کار در مرحله تجاری سازی اموال فکری

قوانین مالکیت فکری در مرحله ای که ناظر به تجاری سازی اموال فکری (یعنی مرحله تولید و عرضه این محصولات به بازار مصرف) هستند، در چند زمینه بر بهبود محیط کسب و کار اثرگذارند. این موارد متعددیند لذا به ذکر و توضیح سه مورد از مهمترین آنها اکتفا می

شود. این موارد عبارتند از: اثر قراردادهای تجاری سازی اموال فکری بر بهبود محیط کسب و کار، اثر قابلیت توثیق و ترهین اموال فکری بر بهبود محیط کسب و کار و اثر قابلیت بیمه اموال فکری بر بهبود محیط کسب و کار:

۱- اثر قراردادهای تجاری سازی اموال فکری بر بهبود محیط کسب و کار:

هدف اصلی نظام حقوق مالکیت فکری و حمایت از اختراعات و ابتکارات این است که مبتکران و مخترعان، انگیزه بیشتری برای ابداع و تولید محصولات جدید و خلاق داشته باشند و ضمن برخورداری از نتایج مادی و معنوی آن، مصرف کنندگان جامعه را نیز از محصول پیشرفته تر و مفیدتر بهره مند کنند (Scotchmer: 2004, 34). اما رسالت نظام مالکیت فکری، به حمایت اولیه از مبتکران و مخترعان محدود نمی شود بلکه باید با طراحی قالبهای قراردادی مناسب، زمینه تجاری سازی اموال فکری یعنی تولید، تکثیر و عرضه محصول فکری به بازار را نیز فراهم سازد زیرا با تجاری سازی است که منافع مخترع و جامعه تامین شده و شاخصهای بهبود محیط کسب و کار مثل حمایت از سرمایه گذار تحقق پیدا می کند.

اما قراردادهای تجاری سازی اموال فکری، عدماً یا جزو قراردادهای واگذاری {۶} هستند که در آن، تمام حقوق مالکانه صاحب اموال فکری (اعم از مالکیت بر عین محصول و منافع آن) به منتقل الیه واگذار می گردد؛ یا جزو قراردادهای پروانه بهره برداری یا لیسانس {۷} هستند که در آن، مالکیت عین محصول برای پدیدآورنده و مبتکر باقی می ماند و حق بهره برداری از منابع مال فکری، در قبال دریافت وجه موقتاً به طرف قرارداد واگذار می شود. و یا جزو قراردادهای مدیریت جمعی {۸} و قراردادهای ائتلاف فناوری {۹} هستند که در آنها، صاحبان مختلف اموال فکری، حقوق خود را در یک نهاد واحد، جمع می کنند تا متقاضیان استفاده از آن فناوری بتوانند به جای مراجعه به صاحبان مختلف اموال فکری، تنها به یک نهاد مراجعه کنند و با او قرارداد ببندند یا اینکه صاحبان حق اختراع مختلف با یکدیگر ائتلاف می کنند که متقابلاً بتوانند از اختراع هم برای تولید محصولی جدید استفاده کنند.

اما برای اینکه قراردادهای سه گانه فوق بتواند منافع طرفین قرارداد یعنی صاحب مال فکری، بهره بردار و نیز کلیه اشخاص متأثر از آن قرارداد - که می تواند عموم مردم جامعه باشد- را بخوبی تامین کند، علاوه بر حاکمیت اراده متعاقدين، رویکرد قانونگذار نیز می تواند مفید باشد. توضیح اینکه چون قراردادهای مالکیت فکری خصوصاً قراردادهای لیسانس و

واگذاری، علاوه بر منافع طرفین، با منافع مصرف کنندگان نیز ارتباط تنگاتنگ دارد، لذا گاه قانونگذار، برخی شروط قراردادی را در قانون ذکر می کند تا به سه هدف برسد: نخست اینکه طرفین قرارداد بتوانند برخی شروط قراردادی شان را بر اساس مواد قانونی تعیین کنند تا در صورت فراموش کردن برخی موارد، از شروط قانونی برای تکمیل قراردادشان بهره ببرند؛ دوم اینکه طرفین با داشتن یک الگوی قانونی سریعتر مذاکره کرده، شروط قراردادی را تعیین کنند و هزینه معاملاتی شان را بکاهند (برای دیدن نقش مقنن در کاهش هزینه های معاملاتی، ر.ک: دفتر مطالعات اقتصادی معاونت پژوهشهای اقتصادی مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی: اسفند ۱۳۹۳، ۱۷ به بعد) و سوم اینکه اگر شرطی در قرارداد قید شود که منافع عموم را به مخاطره می اندازد، قانونگذار با امری دانستن برخی قواعد و احکام، شروط قراردادی مغایر را بی اعتبار بداند. این رویکرد مورد توجه قانونگذار هند بوده است و در قانون ثبت اختراع این کشور، در مواد متعدد قانونگذار به بیان برخی احکام و شرایط قرارداد لیسانس پرداخته است (India, The Patent Act: 2015, 1 and seq).

برعکس، در ایران، قانون ثبت اختراعات، طرحهای صنعتی و علائم تجاری ایران مصوب ۱۳۸۶ فاقد مقررات کافی و شفاف در مورد قراردادهای مالکیت فکری و آثار آنهاست به طوری که در قانون مزبور و آیین نامه اجرایی آن، به برخی از قراردادهای تجاری سازی (مثل قراردادهای مدیریت جمعی) اساساً اشاره نشده یا تنها در حد گذرا نامی از آنها برده شده و مقررات کافی در مورد آنها دیده نمی شود؛ نکته جالب توجه اینکه قانونگذار ما حتی در مورد شایع ترین قراردادهای تجاری سازی اموال فکری یعنی قراردادهای لیسانس و واگذاری-که هر یک اقسام متنوعی دارند-نیز موضوع را در حد اجمال برگزار کرده و به تفاوت آثار آنها اشاره نکرده است و این امر باعث ناآگاهی ایرانیان دارنده اموال فکری شده و از تمایل ایشان به انعقاد قرارداد با بنگاههای ایرانی، تزریق ابتکار و فناوری به بدنه تولید و در نتیجه، کاهش هزینه محصول و کمک به بهبود محیط کسب و کار کاسته است. در نتیجه، این افراد علاوه بر آنکه به سمت انعقاد قرارداد با بنگاههای خارجی سوق پیدا می کنند، بجای قرارداد لیسانس، به انعقاد قرارداد واگذاری کامل حقوقشان مبادرت می ورزند که این قراردادها به نفع بنگاههای خارجی است نه مخترعان و بنگاههای داخلی.

طرح ثبت اختراعات، طرحهای صنعتی و علائم تجاری گامی بر رفع نارسایی قانونی فوق برداشته است با اینحال لایحه حمایت از مالکیت فکری در مواد ۴۲ تا ۵۵ تحت عنوان واگذاری و اجازه بهره برداری از حقوق مادی اثر، به مقررات عام این دسته قراردادها و

مقررات چند قرارداد خاص پرداخته است؛ با اینحال، اولاً؛ این مقررات نیز کامل نیستند و تمامی ابعاد قراردادهای تجاری سازی را (مثل ارتباط قرارداد با حقوق مصرف کننده) در بر نمی گیرند؛ ثانیاً؛ چون این مواد برای آثار ادبی و هنری تهیه شده اند، لذا برخی مختصات مهم قراردادهای اموال صنعتی را (مانند شرط نظارت بر تولید یا شرط کیفیت) شامل نمی شوند و لذا نمی توان از آنها در حوزه تجاری سازی اموال صنعتی چندان بهره برد.

۲- اثر قابلیت توثیق و ترهین اموال فکری بر بهبود محیط کسب و کار:

یکی از شاخصهای بهبود محیط کسب و کار، شاخص اخذ اعتبار و وام برای فعالیتهای تجارتی و اقتصادی است بدین ترتیب که هرچه شرایط، تشریفات و زمان اخذ وام و تسهیلات برای فعالیتهای مزبور کمتر باشد آن کشور در این شاخص رتبه بهتری دارد و برعکس. یکی از اقداماتی که قانونگذار جهت تسهیل دریافت وام و اعتبار می تواند انجام دهد وضع مقرراتی است که اجازه می دهد متقاضیان وام بتوانند در کنار اموال فیزیکی و ملموس، اموال فکری را در رهن بانک گذاشته و وام دریافت کنند چه بسیار شرکتهایی که تنها سرمایه قابل توجهشان مال فکری آنهاست (برای مثال دارای یک علامت تجاری یا یک اختراع باارزش هستند) اما به دلیل نداشتن منابع مالی فیزیکی قادر به دریافت وام جهت انجام فعالیت مولد اقتصادی نیستند که از این جمله می توان به شرکتهای دانش بنیان اشاره کرد. اهمیت این مساله زمانی بیشتر می شود که بدانیم در اقتصاد دانش بنیان امروز، ارزش اموال فکری گاه بیش از اموال فیزیکی است چنانکه سازمان جهانی مالکیت فکری (وایپو)، ارزش تجارت اموال فکری را تا سال ۲۰۲۰، شش تریلیون دلار تخمین زده است (به نقل از: باقری و جعفری چالشتی: ۱۳۹۲، ۳۸۲). به واسطه این شرایط است که در برخی کشورها، اجازه ترهین و توثیق اموال فکری بابت اخذ تسهیلات داده شده است که می توان به هند به عنوان یکی از این نمونه ها اشاره کرد (Kumar: 2006, 98-102). برعکس در ایران، نه تنها بررسیهای میدانی صورت گرفته از ۳۱۲ تشکل اقتصادی نشانگر آن است که شاخص سهولت دریافت تسهیلات از بانکها در وضعیت نامطلوبی قرار دارد (دفتر مطالعات اقتصادی معاونت پژوهشهای اقتصادی مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی: آذر ۱۳۹۳، ۶ به بعد)، بلکه قانونگذار نیز در ماده ۷۷۴ قانون مدنی ظاهراً امکان ترهین اموال فکری را از دارندگان این اموال سلب کرده و با توجه به سکوت مقررات مالکیت فکری ایران، ناگزیر باید حکم همان ماده را در خصوص اموال فکری نیز جاری دانست. مطابق این ماده: «مال مرهون باید عین معین باشد و رهن دین و منفعت باطل است». بنابر این صحت

رهن منوط به این است که مال موضوع قرارداد، باید عین معین یعنی مال مادی ملموس باشد نه مال فکری؛ لذا مال فکری قابل ترهین نیست. البته برخی نویسندگان کوشیده اند تا ماده ۷۷۴ را بگونه ای تفسیر کنند که اموال فکری را هم بتوان به رهن گذاشت (برای مطالعه بیشتر در مورد استدلال این دسته، ر.ک: کریمی و معین اسلام: ۱۳۸۷، ۳۱۵ تا ۳۲۴)، اما آنچه در عمل اتفاق می افتد، مخالفت بانکها با پذیرش اموال فکری به عنوان عین مرهونه و نتیجتاً محروم شدن صاحبان این اموال، از منافع اقتصادی ترهین مال فکری بوده است. در این میان، مناسب ترین و عملی ترین راهکار، اقدام قانونگذار به اصلاح ماده ۷۷۴ قانون مدنی یا وضع ماده ای حاکی از قابلیت ترهین اموال فکری در قوانین اختصاصی مالکیت فکری و نسخ ماده ۷۷۴ قانون مدنی می باشد. البته این پیشنهاد ممکن است با این ایراد روبرو شود که در صورت عدم تادیه تسهیلات توسط مشتری، بانک عملاً نمی تواند از محل رهن مال فکری، حقوق خود را تامین کند زیرا تقویم یا قیمت گذاری مال ادبی و هنری و فروش آن از طریق مزایده، بسیار بسیار دشوار است. خوشبختانه امروزه با پیش بینی ساز و کار قانونی بورس ایده در ایران که در آن، هم تقویم مال صورت می گیرد و هم از طریق بورس، مشتری یابی صورت می گیرد این مشکل تا حد زیادی کاهش یافته است لذا زمانی که این زمینه قانونی فراهم شده است، چرا نباید با پیش بینی قابلیت ترهین مال فکری در مقررات مربوط، امکان تخصیص بهینه را برای صاحب مال فراهم ساخت؟ بویژه آنکه پدیدآورنده یک مال فکری که فاقد منابع مالی فیزیکی است، بی شک ارزش بیشتری برای دارایی خود قائل بوده و برای جلوگیری از فروش مال مرهونه توسط بانک، تلاش بیشتری برای تادیه اقساط تسهیلات می کند.

طرح ثبت اختراعات، طرحهای صنعتی و علائم تجاری و لایحه حمایت از مالکیت فکری هیچیک اقدامی برای رفع نارسایی فوق اتخاذ نکرده اند.

۳- اثر قابلیت بیمه اموال فکری بر بهبود محیط کسب و کار:

گفتیم که شاخص حمایت از سرمایه گذاران، یکی از شاخصهای مهم بهبود محیط کسب و کار است. این حمایت دارای جلوه های گوناگون است و قابلیت بیمه اموال فکری متعلق به سرمایه گذاران می تواند یکی از جلوه های بارز این حمایت به شمار آید. قابلیت بیمه کردن اموال فکری، این امکان را فراهم می آورد تا مخاطرات ناشی از نقض حقوق مربوط به این اموال بیمه شده و از این طریق، حمایت بیشتری از سرمایه گذار به عمل آید؛ به عبارت دیگر، اگر قانونگذار با لحاظ کردن اصل تخصیص بهینه منابع، قابلیت بیمه اموال

فکری را در قانون پیش بینی کند، ضمن تخصیص مالکیت مال فکری به پدیدآورنده یا صاحب حق، این تخصیص را بیمه و تضمین نیز می کند. مشابه این رویکرد بخوبی در کشور هند قابل مشاهده است (Rodney. D: 2005, 20 and seq). همچنین در آمریکا، اموال فکری مختلف اعم از آثار ادبی و هنری، اختراعات و علائم تجارتي قانوناً قابل بیمه کردن هستند (Kumar and Neeraj Parnami: 2015, 1 and seq) و در عمل نیز، شرکت‌های بیمه با توجه به اهمیت روزافزون دارایی های فکری در تجارت کنونی، چنین می کنند. اما در ایران، مقررات مالکیت فکری مقررہ ای در این خصوص ندارد و قانون بیمه نیز بواسطه تصویب در سال ۱۳۱۶ و عدم شناخت کافی مقنن از ارزش دارایی های فکری در آن مقطع تاریخی، فاقد حکم صریحی در خصوص قابلیت بیمه این اموال است. البته ماده ۴ قانون بیمه، در حکمی کلی مقرر می دارد: «موضوع بیمه ممکن است مال باشد اعم از عین یا منفعت یا هر حق مالی...» و اطلاق واژه «مال» و عمومات عبارت «هر حق مالی» در ماده فوق، امکان این تفسیر را می دهد که اموال فکری را نیز بتوان موضوع قرارداد بیمه قرار داد، با اینحال عدم صراحت قانونی باعث شده است تا در عمل، بسیاری از شرکت‌های بیمه، مال را به مال فیزیکی و ملموس محدود کرده و در ارزش اقتصادی اموال فکری و یا قابلیت قانونی بیمه آنها دچار تردید باشند؛ همچنین شرکت‌هایی که معتقد به قابلیت بیمه آنها هستند با دشواری دیگری یعنی نحوه تقویم یا ارزشگذاری اموال فکری مواجه هستند؛ بنابراین، بیمه اموال فکری در ایران به واسطه دلایلی چون عدم صراحت قانونی، ناشناخته بودن ارزش اقتصادی این اموال برای برخی شرکت‌های بیمه و نیز کمبود متخصص در زمینه نحوه ارزشگذاری و محاسبه ارزش اقتصادی دارایی های فکری، مهجور باقی مانده است.

طرح ثبت اختراعات، طرحهای صنعتی و علائم تجاری و لایحه حمایت از مالکیت فکری حاوی مقرره ای برای رفع یا کاهش نارسایی فوق ندارند. البته در حوره آثار ادبی و هنری نمی توان چندان انتظار گسترش بیمه مخاطرات نقض حقوق را داشت زیرا در حقوق ایران، آثار ادبی و هنری بدون ثبت نیز قابل حمایت هستند و چون تشخیص نقض حقوق و مقدار خسارات دشوارتر از اموال ثبت شده است، لذا شرکت‌های بیمه به دلیل ریسک بالای این اموال، احتمالاً تمایل چندانی به بیمه کردن آنها نداشته باشند؛ با اینحال، در حوزه اموال صنعتی قضیه متفاوت است هرچند طرح فوق مقررہ ای در این زمینه بیان نداشته است.

نتیجه و پیشنهاد:

از آنچه در این مقاله آمد این نتیجه حاصل می شود که هرچند مقررات مالکیت فکری چه در مرحله ثبت و حمایت اولیه از این اموال و چه در مرحله تجاری سازی، باعث بهبود محیط کسب و کار می شوند خصوصا آنکه حمایت از این اموال و تجاری سازی آنها با شاخصهایی چون حمایت از سرمایه گذاران و ثبت دارایی، ارتباط تنگاتنگ دارد. بواسطه همین اهمیت است که قانونگذار دو کشور آمریکا و هند به عنوان دو نمونه از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، کوشیده اند تا در قالب مقرراتی روشن و کارا، بیش از پیش زمینه اثرگذاری اموال فکری را در رشد و توسعه اقتصادی و بهبود محیط کسب و کار کشورشان فراهم سازند. در ایران، سابقه قانونگذاری حقوق مالکیت فکری بسیار طولانی است و در حال حاضر نیز مقررات نسبتا خوبی بر این حوزه حاکم است با اینحال همچنانکه در مقاله دیدیم، وجود برخی خلاها و نارسایی ها در عرضه قوانین مالکیت فکری باعث شده است تا صاحبان اموال فکری در حمایت قانونی، قضایی یا اجرایی از دارایی خود با مشکلاتی روبرو شوند و لذا این نظام حقوق مالکیت فکری ایران در بهبود محیط کسب و کار کشور نتواند نقش خود را آنگونه که باید و شاید ایفا کند؛ در این میان، قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار مصوب ۱۳۹۰ نیز گامهای چندان موثری برای رفع یا کاهش نارسایی های موجود برداشته است. طرح ثبت اختراعات، طرحهای صنعتی و علائم تجاری و لایحه حمایت از مالکیت فکری نیز در پیش بینی مقررات موثر و کارا برای رفع یا کاهش معضلات فعلی چندان موفق عمل نکرده اند و حتی در صورت تبدیل آنها به قانون نمی توان چندان به توفیق آنها در زمینه مورد بحث یعنی داشتن اثر مثبت بر بهبود محیط کسب و کار اتکا کرد. از این رو بر اساس نارسایی های برشمارده شده در متن نوشتار، پیشنهادهای کاربردی زیر به گروههای بهره بردار توصیه می شود:

- ۱- با توجه اینکه قانون الحاق ایران به معاهده همکاری در ثبت اختراعات، در سال ۱۳۸۶ به تصویب مجلس شورای اسلامی و تایید شورای نگهبان رسیده است لذا دستگاههای ذیربط از جمله اداره مالکیت صنعتی، قوه قضائیه، هیات وزیران و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و مجلس شورای اسلامی باید امکانات نرم افزاری و سخت افزاری لازم برای اجرایی شدن این قانون مانند تربیت نیروی انسانی متخصص را فراهم سازند؛
- ۲- تصویب مقررات جامع و روشن برای حمایت از اسرار تجاری- اعم از اسرار موجود در محیط فیزیکی و الکترونیکی- جهت روشن شدن فضای حقوقی میان صاحبان اسرار تجاری

و مصرف کنندگان و سایر رقبا در دستور کار مجلس شورای اسلامی قرار گیرد خصوصا اینکه در پنجره واحد تجارتی الکترونیکی، اسرار تجارتی فراوانی وجود دارند. البته پیش نویس این مقررات در دست تهیه است که تصویب و اجرایی شدن آن می تواند معضل حقوقی کشور را در این زمینه کاهش دهد.

۳- آیین نامه اجرایی قانون ثبت اختراعات، طرحهای صنعتی و علائم تجاری در بخش نام تجارتی تهیه و تصویب شود تا اداره مالکیت صنعتی بتواند با ثبت نام، از سرمایه گذاران حمایت نماید.

۴- تربیت قضات آشنا به مباحث حقوقی مالکیت فکری و راه اندازی محاکم اختصاصی یا دست کم شعب تخصصی در مراکز استانها برپا حمایت قضایی از دارندگان اموال فکری موثر است همچنین قانونگذار در قالب مصوبه مجلس، مقرره ای در خصوص امکان بهره گیری صاحبان اموال فکری از ضمانت اجراهای گمرکی و امکان دستور دادرسی برای توقیف کالاهای دارای علامت تقلبی به مقامات گمرکی وضع کند تا حکم مقرر در آیین نامه، از طریق درج رد قانون مصوب مجلس، اعتبار حقوقی بیشتری یافته و تشتت آرا در دادرسیها را مرتفع سازد.

۵- وضع مقررات روشن در خصوص معیارهای تعیین دادگاه صالح و قانون حاکم بر دعاوی خارجی راجع به نقض حقوق مالکیت فکری در محیط اینترنتی و رفع خلا قانونی حقوق ایران توصیه می شود.

۶- تکمیل قانون ثبت اختراعات از طریق وضع چند مقرره در خصوص شروط قراردادهای لیسانس و واگذاری اموال فکری و مدیریت جمعی یا توافقات ائتلافی (بعنوان قالبیهای رایج تجاری سازی اموال فکری) به قانونگذار توصیه می شود.

۷- اصلاح ماده ۷۷۴ قانون مدنی و تصریح به امکان توثیق یا ترهین اموال فکری توصیه می گردد.

۸- اصلاح ماده ۴ قانون بیمه و تصریح به قابلیت بیمه اموال فکری توصیه می گردد.

۹- طرح ثبت اختراعات، طرحهای صنعتی و علائم تجاری و لایحه حمایت از مالکیت فکری تا قبل از تصویب مجلس و تایید شورای نگهبان و تبدیل شدن به قانون باید مورد بازنگری قرار گرفته و مقررات پیشنهاد شده در این قسمت مقاله در آنها گنجانده شود زیرا تکمیل طرح و لایحه در این مرحله، بسیار راحت تر و سریع تر از اصلاح آنها بعد از تبدیل شدن به قانون خواهد بود.

۱۰- تربیت کارشناسان متخصص در زمینه نحوه تقویم یا ارزشگذاری اموال فکری و نیز برگزاری دوره های آموزشی علمی و کاربردی حاوی اهمیت حقوق مالکیت فکری و نحوه اثرگذاری آن بر بهبود محیط کسب و کار برای نهادهای و اشخاص درگیر با اموال فکری مثل بنگاههای تجارتي دارنده مال فکری، شرکتهای بیمه، کانون کارشناسان رسمی دادگستری و قضات توصیه می شود.

پانوشته ها:

{۱} این ده شاخص عبارتند از: ۱- تجارت برون مرزی ۲- فرایند اخذ مجوزهای فعالیت ۳- شرایط استخدام یا اخراج نیروی کار ۴- سهولت در شروع کسب و کار و فرایند تاسیس و راه اندازی شرکتهای ۵- اجرایی شدن قرارداد ۶- فرایند تعطیلی و انحلال یک فعالیت تجاری ۷- پرداخت مالیات ۸- ثبت اموال ۹- اخذ وام و اعتبار برای فعالیتهای تجاری اقتصادی ۱۰- حمایت حقوقی و قضائی از حقوق سرمایه گذاران.

{۲} در اواخر دهه هشتاد، بهروز علیشیری، رئیس سازمان سرمایه گذاری خارجی، در جمع خبرنگاران با تشریح ابعاد پروژه مهم ارتقاء شاخص فضای کسب و کار ایران - که به سازمان تحت مدیریت وی سپرده شده بود- وعده دو رقمی شدن رتبه ایران در شاخص فضای کسب و کار را به عنوان افق کوتاه مدت داد (<http://www.farsnews.com/printable.php?nn=13900604143845>) که

البته تا محقق شدن این وعده، فاصله معناداری وجود دارد.

{3} Territoriality Principle.

{4} Patent Cooperation Treaty (PCT).

{5} The United Nations Centre for Trade Facilitation and Electronic Business (UN/CEFACT).

{6} Assignment Contracts.

{7} License.

{8} Collective Management.

{9} Technology Pool.

منابع:

- ۱- اسفیدانی، محمد رحیم (۱۳۸۷)، پنجره واحد تجاری، طرح تحقیقاتی انجام شده در گروه پژوهشهای فناوری اطلاعات و ارتباطات موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، تابستان.
- ۲- باستانی، علیرضا و زهرا، آقاجانی (۱۳۸۹)، "اثر استقرار سیستم پنجره واحد بر تسهیل تجاری و کاهش هزینه‌های مبادلاتی تجارت خارجی"، مقاله ارائه شده در اولین همایش ملی کاهش قیمت تمام شده، موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، مهرماه.
- ۳- باقری، محمود و محمود، جعفری چالشتری (۱۳۹۲)، "تحلیل اقتصادی رهن اموال فکری"، مجله تحقیقات حقوقی شهید بهشتی، شماره ۶۲، ص ۳۸۲
- ۴- حبیبی، سعید و فرزانه، شاکری (۱۳۸۹)، «دادگاههای مالکیت فکری در کشورهای جنوب شرقی آسیا»، فصلنامه حقوق دانشگاه تهران، دوره ۴۰، شماره ۳، پاییز، صص ۱۳۱-۱۵۰
- ۵- دفتر مطالعات اقتصادی معاونت پژوهشهای اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۳)، پایش محیط کسب و کار ایران در بهار ۱۳۹۳ ارزیابی ۳۱۲ تشکل اقتصادی سراسر کشور از مولفه‌های ملی محیط کسب و کار در ایران، گزارش کارشناسی تهیه شده در مرکز پژوهشهای مجلس، آذر ماه.
- ۶- دفتر مطالعات اقتصادی معاونت پژوهشهای اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۳)، راهکارهای کاهش هزینه مبادله در انعقاد قراردادهای گزارش کارشناسی تهیه شده در مرکز پژوهشهای مجلس، اسفند ماه.
- ۷- صادقی، محسن و علی، زندوکیلی (۱۳۹۴)، حقوق نام‌های تجاری، تهران: نشر میزان.
- ۸- کریمی، عباس و محمد، معین اسلام (۱۳۸۷)، "رهن اموال فکری"، فصلنامه حقوق مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۸، شماره ۲، تابستان، صص ۳۱۵ تا ۳۲۴.

- A. Dutz, Mark, (2007).-Unleashing Indias Innovation: Tooward Sustainable and Inclusion Growth, Washington D.C.: The World Bank.
- Alcácer, Juan, Michelle, Gittelman, Bhaven, Sampat (2009), "Applicant and Examiner Citations in U.S. Patents:

An Overview and Analysis", Research Policy, Volume 38, Issue 2, March, pp. 415–427.

- Di Lorenzo, Francesco, Property Rights Alliance, 2013 Report International Property Rights Index, Hernando de Soto Fellow, Available online at: <http://www.internationalpropertyrightsindex.org>, Last visited: 29/07/2015.
- Doing Business, 2010, Available at: <http://www.doingbusiness.org>; last visited: 29/07/2015.
- Fox, Stephen (2004), The Effect of the Internet on Trade in the IP Context, WIPO International Conference India, The Patent Act, Available at: http://www.wipo.int/wipolex/en/text.jsp?file_id=295102; -India, Trade Names, Available at: http://www.wipo.int/wipolex/en/results.jsp?countries=IN&cat_id=6; Last visited: 29/07/2015.
- Kumar, Jayant (2006), "Intellectual Property Securitization: How Far Possible and Effective", Journal of Intellectual Property Rights, Vol.11, March, pp. 98-102.
- Kumar, Jayant and Neeraj, Parnami, The Marriage of Intellectual Property & Insurance, 2008, available at: https://papers.ssrn.com/sol3/Data_Integrity_Notice.cfm?abid=1289187, Last Visited: 31/07/2015.
- K. Winn, Jane, Benjamin, Wright (2004), The Law of Electronic Commerce, 4 ed, Aspen Publishers.
- Rodney. D, Ryder (2005) , Intellectual Property Law Concept to Commercialization, New Delhi: India, Macmillan.
- Scotchmer, Suzanne (2004), Innovation and Incentives, England: The MIT Press.
- UN/CEFACT (2008), Draft Recommendation No. 34: Recommendation on Data Simplification and

Standardization for International Trade, Geneva: UN/CEFACT.

- UN/CEFACT (2008), Draft Recommendation 35 Establishing a Legal Framework for an International Trade Single Window, Geneva: UN/CEFACT.
- UN/CEFACT, UN/CEFACT RECOMMENDATION, No. 33, Available at:www.unece.org/cefact/recommendations/rec33/rec33_trd352e.pdf; last visited:29/07/2015
- UN/ECE (2003), The Single Window Concept, Geneva: UN/ECE.
- United States of America, Trade Names, Available at: http://www.wipo.int/wipolex/en/results.jsp?countries=US&cat_id=6; Last visited: 29/07/2015.
- United States of America, Undisclosed Information (Trade Secrets), Available at: http://www.wipo.int/wipolex/en/results.jsp?countries=US&cat_id=9; last visited: 29/07/2015.
- W. Schermer, Bart (2007), "Legal Issues of Single Window Facilities for International Trade", Modern Law for Global Commerce Congress to celebrate the fortieth annual session of UNCITRAL Vienna, 9-12 July, pp. 4-8.